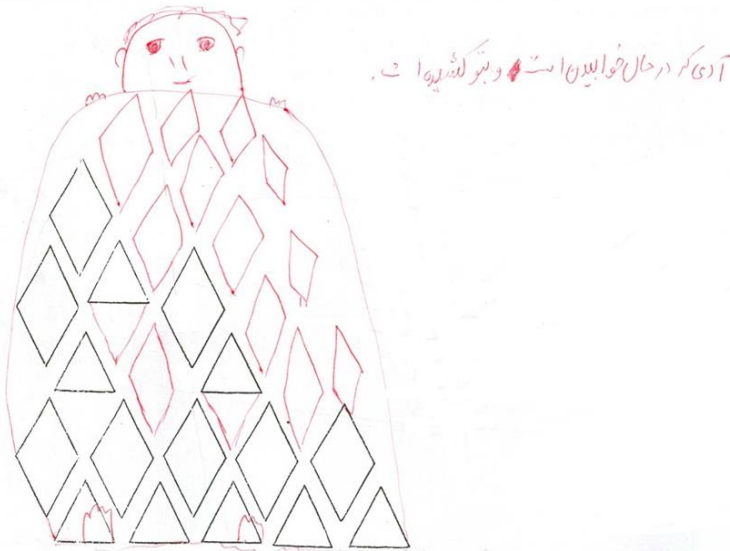


دیسری گمہ دربارک آہنیات
خریدہ است.

سیدالاحسن

کلاس، جماعت آٹھم، قرمان



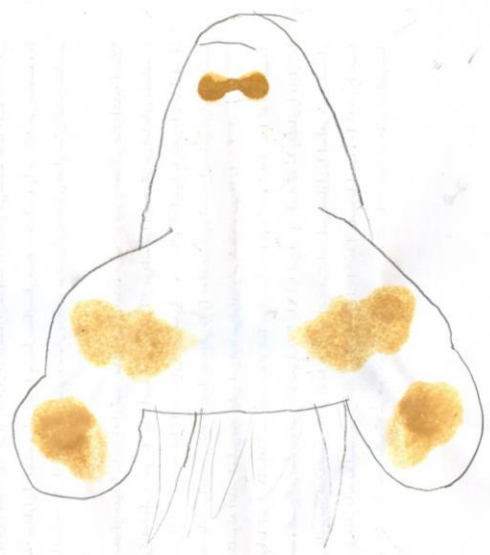
دکتر منطقی در تشریح روش «خواندن خلاق» با ارایه نمونه‌هایی، از مواردی مانند: پیشنهاد خواندن کتاب‌های مصور فاقد نوشته، خواندن به گونه‌ای که فرد احساس کند در متن صحنه است، ارایه کتاب خوانده شده به صورت یک تصویر، شعر یا نقاشی، تهیه تصویر جهت کتاب خوانده شده برای دانش‌آموزان کلاس‌های اول و دوم دبستان و از اقدام‌هایی نظیر «نوشتن خلاصه کتاب قبل از مطالعه آن»، «حدس زدن در مورد انجام کتاب»، «خواندن داستان‌های کوتاه، مرموز و اسرارآمیز» و «استفاده از داستان‌های کوتاه با بار عاطفی و هیجانی»، برای دانش‌آموزان کلاس‌های سوم تا پنجم دبستان یاد کرده است.

مؤلف در توصیف روش «نوشتن خلاق»، به ارایه پیشنهادهایی می‌پردازد که در ادبیات جهانی یا به صورت تجربه شخصی وی، صورت پذیرفته‌اند. این موارد شامل «ارایه موضوع‌های عینی،

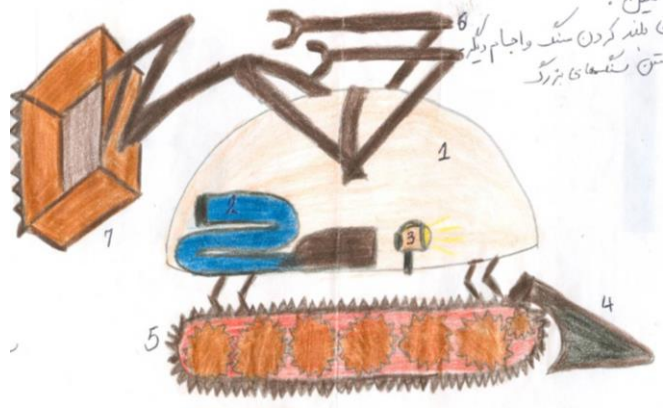
غیر تکراری و جالب»، «تقاضای تهیه یک شعر»، «تهیه یک کتاب مصور (با متن یا بدون متن)»، تکمیل متن نیمه تمام یک «کتاب، قصه یا شعر»، تهیه متن «با عنوان انعطاف پذیر»، «تهیه مجموعه‌هایی مانند: والت دیسنی، پلنگ صورتی، قصه‌های مجید» و تهیه مستمر روزنامه (برای اطرافیان)»، هستند.

دکتر منطقی در جریان بحث در مورد روش پیشنهادی «حل مسأله»، به ارایه شاهد مثال‌های متعددی در زمینه‌های زیر پرداخته است: «تکمیل تصاویر ناقص برای کامل کردن»، «تکمیل داستان نیمه تمام»، «انجام بازی‌های فکری (مانند معادل‌یابی کلمات، ساخت ضرب‌المثل، تهیه تصاویر وارونه - که از دو زاویه مختلف، دو تصویر متفاوت دیده شوند - حل معما، رمز نویسی و رمز گشایی)»، «طراحی دستگاه‌های مورد نیاز (نظیر وسیله حمل و نقل کوچکی که مشکل پارک کردن نداشته باشد، طراحی دستگاهی برای جلوگیری از گم شدن بچه‌ها، طراحی ماشینی برای عبور از مسیرهای ناهموار، استخراج معدن از زیر دریا)»، «تهیه طرح‌های متفاوت و جدید (مثلاً تهیه کتاب‌هایی با بُرش و صفحه‌آرایی متفاوت)»، «کار با اشیای دور ریختنی»، «ابداع یک بازی جدید»، «پیشنهاد راه حل برای مسایل مطرح شده (مانند گزینش بهترین راه صعود به یک قله با توجه به ویژگی‌های خاص هر مسیر)».

آب با عسل
نزد سوخت

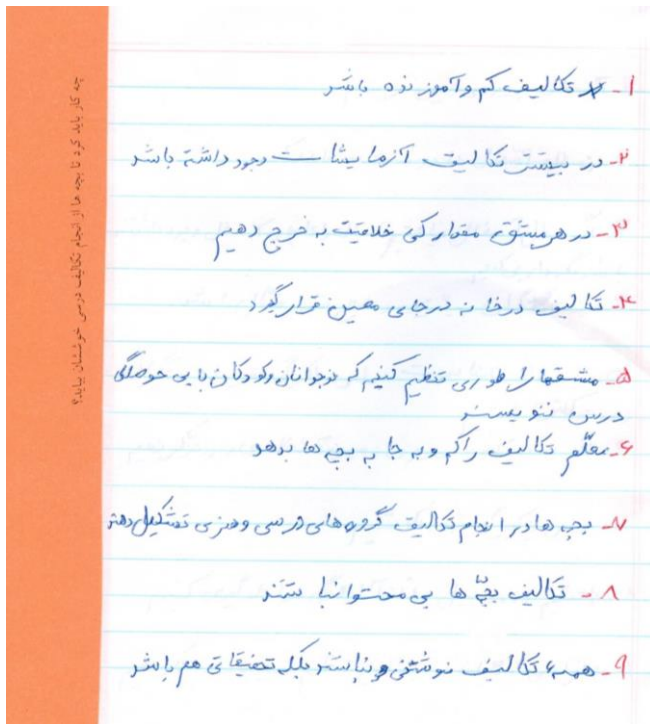


- 1- عمو و اهل ماشین .
- 2 - دستگاه مکنده خاک .
- 3 - لامپ برای روشنایی .
- 4 - دستگاه برای حرکت دادن خاک روی روی ماشین .
- 5 - چرخهای ماشین .
- 6 - دستگاه برای بلند کردن سنگ و اجسام دیگر .
- 7 - برای برداشتن سنگهای بزرگ .



مؤلف در تشریح روش «بارش فکری»، پس از بیان ادبیات جهانی موجود در این زمینه (یورش فکری پیشنهادی اسپورن، تهیه دفترچه

یادداشت جمعی، تهیه تابلوی اعلانات جمعی و بارش فکری کل-نگرتر گوردون)، از چگونگی استفاده از بارش فکری در محیط کلاس درس، به صورت «بارش ذهنی در کل کلاس»، «بارش فکری در گروه‌های دانش آموزی»، «بارش مغزی به صورت فردی»، «بارش فکری به صورت نقاشی» و «بارش ذهنی با استفاده از دفترچه یادداشت جمعی»، یاد کرده است و در هر مورد مزایا و معایب روش پیشنهادی را مورد بحث، قرار داده است.



مؤلف در توصیف روش «بدیعه‌پردازی»، ضمن شرح روش‌های «تبدیل آشنا به ناآشنا»، «تبدیل ناآشنا به آشنا» و «تعارض‌های فشرده»،

به ارایه شواهدی از پیشنهاد‌های اصلاحی خویش در این روش پرداخته، طرز پیاده شدن آن را در سطح کلاس، شرح داده است. دکتر منطقی در بیان روش «افزایش انگیزه‌ها»، با تأکید بر تجربیات شخصی خویش با دانش‌آموزان، در آغاز از ضرورت حذف تنبیه (به شکل بدنی، کلامی و یا غیر کلامی - با نگاه و اشاره) و کم‌رنگ کردن مسأله نمره در جریان انجام کارهای خلاق، یاد کرده است و در ادامه، به پیشنهاد مواردی مانند: «آمیختن درس‌ها با مسایل اجتماعی اطراف شاگردان»، «تقاضای بیان هنری مسایل عملی»، «سهیم کردن دانش‌آموزان در طراحی تکالیف درسی»، «آزاد نهادن انتخاب تکالیف درسی برای دانش‌آموزان»، «مخلوط کردن مباحث درسی - مثلاً ریاضی - با داستان‌های جذاب و جالب»، «بیان سیر تاریخی مسأله علمی مورد نظر» و «اجرای نمایشنامه گونه مباحث درسی» پرداخته است.

مؤلف در شرح روش «ارایه الگو به دانش‌آموزان»، از ارایه الگوی انسان‌های خلاق و نوآور به دانش‌آموزان و ارایه نمونه‌های کاری خلاق بدان‌ها، یاد کرده است.

وی در بحث ارایه الگو به دانش‌آموزان، با تأکید بر این که ادبیات خلاقیت، حکایت از آن دارد که معلمان خلاق، دانش‌آموزان خلاق - تری پرورش می‌دهند، ضمن تأیید اهمیت نقش الگویی معلمان، ضرورت طرح افراد مبدع، مبتکر و نوآور و خلاق را برای دانش‌آموزان، مورد تأکید قرار داده است.

مؤلف در قسمت بعد، ضمن بیان نقطه نظرهای «ارایه الگوهای کاری برای شاگردان» و «عدم ارایه الگوهای کاری برای دانش‌آموزان»، با صحّه نهادن بر ارزش‌مندی ارایه الگوهای اولیه به کودکان، الگوبرداری و کپی‌برداری مقدماتی شاگردان را مورد تأیید قرار داده است و پیشنهاد کرده است که در ادامه مسیر دانش‌آموزان، باید آنان را به استقلال عمل، تشویق کرد.

«استفاده از فناوری‌های ارتباطی جدید» روش دیگری است که مؤلف با ارایه نمونه‌هایی از کار دانش‌آموزان در این ارتباط، به معرفی آن پرداخته است. وی پس از بیان سیر تاریخی متفاوت برخوردار جامعه ایران و جوامع غربی با مقوله فناوری‌های ارتباطی جدید، برخورد مبتنی بر نفی و انکار مسوولان فرهنگی و بالطبع آموزشی ایران را با فناوری‌های جدید، نتیجه گرفته است و در ادامه، بر ضرورت تغییر رویکرد اخیر و برنامه‌ریزی در جهت کاهش تهدیدها و افزایش فرصت‌های فناوری‌های ارتباطی جدید را مورد تأکید قرار داده است.

دکتر منطقی در تشریح روش «استفاده از شوخی و خنده»، خاطرنشان می‌سازد که ادبیات موجود، از آثار مثبت خنده و شوخی در افراد حکایت دارد. برخی از این آثار عبارتند از: کاهش تنش‌ها و تنیدگی‌ها، ایجاد احساس ایمنی، کاهش خستگی، فعال‌سازی حافظه و تحریک حافظه بلندمدت.

«یادگیری مشارکتی» یا «گروهی» و «تعاونی»، از دیگر روش‌های معرفی شده توسط مؤلف است، در روش یادگیری مشارکتی، ضمن آن که به جای فرد، گروه جایزه می‌گیرد، با ایجاد همبستگی مثبت بین اعضای گروه (نظیر تلاش هم گروهی‌ها برای افزایش یادگیری یکی از اعضای گروهشان)، از سویی و ایجاد پاسخ‌گویی فردی دانش‌آموزان در برابر گروه (مانند زمانی که دانش‌آموز نمره کمی می‌گیرد)، از سوی دیگر، ارتقای قابل تأملی در یادگیری و عملکرد خلاق دانش‌آموزان، پدید می‌آید.

مؤلف در ادامه این بحث، از نحوه گروه‌بندی، شکل اجراء، وظیفه، نحوه ارایه مباحث مطالعه شده و چگونگی ارزیابی در یادگیری مشارکتی، سخن به میان آورده است.

دکتر منطقی در معرفی روش «فعالیت‌های اردویی»، از آثار مثبت این روش یاد کرده، مواردی همچون یادگیری همکاری‌های گروهی، کسب تجربیات جدید، آموزش نظم و برنامه‌ریزی، افزایش اعتماد به نفس، عطف توجه بیشتر به طبیعت، حیرت‌زدگی در برخورد با طبیعت و مانند آن‌ها را از تبعات فعالیت‌های اردویی، معرفی کرده است.

مؤلف با معرفی «روش‌های سیستم» نیز خاطرنشان ساخته است که رهنمودهای آموزشی روش‌های سیستم، مبتنی بر چهار عامل فضا (به معنای فضای لازم جهت انجام فعالیت مورد نظر)، جو (به معنی جوئی که با پذیرش شلوغی کلاس، ریسک‌پذیری و اشتباه کردن و

نوآوری همراه است)، موقعیتی‌ها (که ناظر بر ایجاد موقعیت‌های هیجان‌انگیز بین دنیای مدرسه و دنیای بیرون از مدرسه است) و مواد اولیه غنی (به معنای تهیه مواد اولیه انعطاف‌پذیر یا بازیافتی و قرار دادن آن‌ها در دسترس کودکان است)، هست.

چهارمین محور مطرح شده در آموزش خلاقیت در سطح کودکان دبستانی، «تربیت عاطفی کودک» است.

دکتر منطقی ضمن تأکید بر بی‌رنگ بودن مقوله عواطف در نظریه‌پردازی‌های اولیه خلاقیت، از پررنگ‌تر شدن این مقوله از منظر نظریه‌پردازان متأخر، یاد کرده است.

مؤلف در بحث تربیت عاطفی کودک، از دو منظر بر ضرورت این معنا، صحّه نهاده است. منظر نخست شکستن حالت خودمیان‌بینی کودکان و منظر بعد، عمق بخشیدن به انگیزه‌های فردی است.

پیاژه در ترسیم تحول ذهنی افراد، به طرح سه دوره حسی-حرکتی (۲-۰ سال)، دوره تفکر عینی (۱۱-۲ سال) و دوره تفکر صوری (۱۶، ۱۲-۱۵، ۱۱ سال) می‌پردازد. از دید این نظریه‌پرداز، در ابتدای هر دوره حالت ادراکی خاصی با عنوان خودمیان‌بینی بر فرد غلبه دارد که در انتهای دوره به تدریج رفع شده، از این حالت با عنوان میان‌واگرایی، یاد می‌کند.

حالت خودمیان‌بینی در دوره دوم تحول ذهنی (۱۱-۲ سال)، عبارت از تعمیم دید و نظر کودک بر دیگران است. به این معنا که کودک همه هستی را از منظر خود نگریسته، تصور می‌کند، دیگران

نیز از همین منظر به جهان هستی می‌نگرند. به همین سبب کودک ممکن است، بدون احساس عواطف یک حشره، دست به کالبد شکافی آن بزند، از این رو اگر در برخورد با وی، روی عواطف و احساسات دیگر موجودات (خاصه حیوان‌ها که کودکان، علایق و افری بدان‌ها نشان می‌دهند)، تأکید شود، در عمل کودک کمک می‌شود تا از خودمیان‌بینی خویش به سمت حالت میان‌و‌اگرایی سوق یافته، به حالت ادراکی دست یابد که متضمن فهم دیدگاه دیگران است.

منظر بعدی که پژوهش‌گر در تربیت عاطفی کودک، بدان اشاره می‌کند، تعمیق انگیزه‌های فردی کودک است. وی با بیان تأکید آموزه‌های دینی مبنی بر تربیت عاطفی کودک (مثلاً تأکید دادن کمک به افراد مستمند از طریق کودکان)، و با طرح ادبیات جهانی موجود که حکایت از خلاق‌تر عمل کردن دانش‌آموزان مدارس دارند که تربیت عاطفی کودکان در آن، از اولویت خاصی برخوردار است، از عمق یافتن عواطف فرد و تداوم همین عواطف جهت‌بخش در آینده، سخن می‌گوید.

پنجمین محور مورد تأکید دکتر منطقی در تربیت خلاق کودکان دبستانی، «بسترسازی اولیه جهت تربیت دینی کودک» است.

مؤلف با بیان این که آنچه در حال حاضر در نظام آموزشی، به عنوان تربیت دینی به کودکان (و نوجوانان و جوانان)، ارایه می‌شود، عمدتاً در ظاهر و پوسته دین خلاصه شده است و در جریان این

آموزش که مبتنی بر احکام فقهی است، توجه کمی به عمق و باطن عرفانی دین می‌شود، خاطر نشان می‌سازد، با وجود آن که غالب پسران و دختران دبستانی، به سبب شرایط آب و هوایی معتدل ایران، به سن تکلیف شرعی نمی‌رسند، می‌توان هم‌زمان با آموزش تکالیف دینی به کودکان زیر پوشش مواردی مانند: نماز خواندن گاه‌گاهی و از روی رغبت کودک یا تشویق وی به گرفتن روزه کله گنجشگی، عطف توجه کودکان به باطن زیبای دین را مورد توجه قرار داد و در درجه نخست با طرح مواردی «عینی» و در مرتبه بعد با توجه به مواردی که با «عواطف لطیف کودکان»، سازگاری و مناسبت دارد، آنان را متوجه باطن دین کرد تا کودکان با تربیت دینی که به این ترتیب می‌شوند، با نگاهی متفاوت از یک انسان مادی، به جهان هستی بنگرند، نگاهی که در آن وجود مبداء و معاد، در دو سوی هستی، تفکر فرد را انعطاف‌پذیرتر از انسان مادی بار آورده، با دادن انگیزه‌های عمیق برای تحول آفرین واقع شدن در خود و جامعه، فرد را به صورت انسانی مستعد خلاقیت، تربیت می‌کند.

دکتر منطقی در ارایه مثالی عینی و در عین حال هم سنخ با عواطف کودکان، بحث دیدگاه زیست محیطی اسلام را مطرح می‌سازد. بیان مواردی مانند این که آموزه‌های دینی از افراد می‌خواهد تا بر حیوانات خویش نام بنهند و حتی خود پیامبر خدا هم چنین می‌کرد، یا بیان این که کبوتران، با تمامی انبیای الهی، هم‌خانه بودند یا تأکید دین در این که افراد نباید هنگام شب به شکار پرنده‌ها

بروند و دست آنان تا پر در آوردن جوجه پرندگان نیز از شکار آنها بسته است، یا بیان مواردی نظیر این که مسلمانان، حتی باید با جنازه یک گنجشگ مرده، با احترام برخورد کنند و نظایر آنها، عواطف رفیق تری برای کودک، رقم خواهد زد.

ورای عطف توجه دین به حیوانات، مشابه همین توجه در آموزه-های دینی به گیاهان و سایر عوامل زیست محیطی شده است. به عنوان مثال، تأکید در این که آموزه‌های دینی شکستن یک شاخه درخت را به مثابه شکستن بال فرشتگان می‌بینند و یا بیان می‌دارند، اگر شما نهالی در دست داشتید و قیامت بر پا شد، باز هم به کاشتن آن اهتمام بورزید و اصولاً آب دادن، حتی به یک درخت بدون ثمر بیابانی، به مثابه آب دادن به یک مؤمن است، در عمل کودک را به سمت آشنا شدن و آشتی با عوامل زیست محیطی وی سوق داده، سبب می‌شود، او با لطف، محبت و دوستی، به حیوان، گیاه و حتی کوه و سنگ طبیعت بنگرد و این مسأله متضمن انعطاف‌پذیری فکری گسترده‌ای است که به سادگی برای هر فردی حاصل نمی‌گردد. ضمن آن که در آینده، کودک با آشنا شدن با مفاهیمی مانند این که از منظر دین، خلاق، عیال‌الله بر شمرده می‌شوند و کسی که شب را صبح می‌کند و در فکر مسلمانان دیگر نباشد، مسلمان شمرده نمی‌شود؛ انگیزه عمیقی جهت خدمت و تحول‌آفرینی برای وی در جامعه پدید می‌آید که باز هیچ عاملی نمی‌تواند فردی را این چنین به تکاپو وادارد.

- دکتر منطقی، در ششمین محور از بحث آموزش خلاقیت در سطح کودکان دبستانی، به طرح «بسترسازی در جهت ایجاد روحیه علمی- پژوهشی در کودکان دبستانی»، پرداخته است و در همین ارتباط، به طرح ۲۳ محور فرعی، به شرح زیر مبادرت ورزیده است:
- تلاش در جهت تحقق آموزش فعال در محیط زندگی،
 - ممانعت از فروکش کردن کنجکاوی گسترده کودک،
 - سوق دادن کودک به سمت طبیعت،
 - هدایت نسبی تخیلات کودک به سمت واقع‌نگری،
 - تلاش در جهت با نظم و منطقی تربیت کردن کودک،
 - تهیه ابزار برای بازی‌های و فعالیت‌های پژوهشی کودک،
 - تشویق بازی‌ها و فعالیت‌های علمی- تخیلی کودک،
 - تشویق کسب دانش و یادگیری‌های غیررسمی کودک،
 - تأکید وجود خلاءهایی در دانش معاصر،
 - سوق دادن کودک به سمت برخورد‌های خلاق،
 - القا و تأیید تصویر مثبت از خود کودک،
 - تشویق دست ساخته‌ها، طراحی‌ها و آزمایش‌های علمی کودک،
 - پرسش از طرح‌های مورد نظر کودکان،
 - تقاضای بررسی اشکال‌ها و نواقص احتمالی طرح‌های ارائه شده،
 - طرح انتقاد‌های وارد بر ایده‌های پیشنهادی کودکان،
 - پیشنهاد و تشویق حل مسأله توسط کودک،
 - سوق دادن کودک به سطوح بالاتر حل مسأله،

- بیان ابداع و ابتکار دانش آموزان برای یکدیگر،
- تشویق تعمیم برخوردهای خلاق به زندگی روزمره کودک،
- تمهید زمینه‌های اولیه در جهت فرضیه پردازی کودک،
- تشویق مسأله‌یابی‌های مقدماتی توسط کودک،
- تشویق حل مسایل با اتکا به فرضیه پردازی (آزمون فرضیات)،
- نقش نهادهای مدنی در بسترسازی‌های علمی - تحقیقاتی در سطح مدارس.

دکتر منطقی در تشریح «تلاش در جهت تحقق آموزش فعال در محیط زندگی»، با ارایه شواهد نظری و عملی، خاطر نشان می‌سازد، در درجه اول، تفکر عینی کودکان دبستانی، این الزام را پدید می‌آورد که آموزش آن‌ها در مقطع دبستان، به صورت عینی و عملی باشد تا آنان از یادگیری لازم، برخوردار گردند. در درجه بعد، وی با ارایه شاهد مثال‌هایی از دانش آموزان، در عمل نشان می‌دهد که شاید آرزوی تمامی شاگردان، برخورد عینی و عملی آنان با آنچه که می‌خواهند به یادگیری آن‌ها پردازند است، اما از آنجا که مدارس ایران، بدون توجه به این ضرورت که با رشد و پیشرفت سریع دانش، باید رویکرد آموزش حافظه‌مدار، به رویکرد آموزش مبتنی بر حل مسأله و چالش با شرایط مبهم، تغییر یابد، به دنبال افزایش بیش از پیش معلومات شاگردان هستند، مؤلف با قطع امید از نظام آموزشی، خاطر نشان می‌سازد، به این ترتیب، وظیفه تربیت پویای فرزندان، به مقدار زیادی متوجه اولیا گردیده است، از این رو ضرورت دارد که

آنان آموزش فعال و پویا را در جریان زندگی فرزندشان، پی بگیرند تا خلاقیت وی در جریان حفظ کردن و حفظ کردن هر چه بیش تر مطالب و مباحث خسته کننده، انتزاعی و غالباً بدون ثمر درسی، از دست نرود.

۱- من بهترین معلم‌ها را در آموزش و پرورش می‌گذارم و مدرسه را بسیار بزرگ می‌کنم
 و چیزهای بسیار بزرگ، کتابخانه، زمین ورزشی، رید جاسی بسیار بزرگ برای چیزهای متنوعه
 می‌گذارم تا وقتی بچه‌ها چیزی به عقلشان رسیدند در آنجا درست کنند حتی صمغ‌البری و
 چیزهای دیگر و آنقدر آنجا بزرگ است که برای ساختن هواپیماهای گوناگون
 هم جاسی باشد *

مؤلف در بیان «مانعت از فروکش کردن کنجکاو‌های گسترده کودکان»، با بیان نظر گیگفورد که اظهار می‌دارد «کنجکاو‌ی عشق به دانستن است، اما متأسفانه این مسأله به شکل غم‌انگیزی در زمان ما به فراموشی سپرده شده است»، با ارایه آثار متعددی از کودکان، از کنجکاو‌ی وافر آنان سخن به میان می‌آورد، اما هم‌زمان، خاطرنشان می‌سازد، به دلیل فقدان آموزش فعال در سطح مدارس، کودکان خود را مجبور می‌بینند که با کنار نهادن کنجکاو‌ی‌های خودشان، با شرایط نظام سنتی حافظه‌مدار، منطبق شوند و در اینجا است که ضمن هرز رفتن کنجکاو‌ی آنان و سوق یافتن آن به سمت مواردی مانند آن که فلان هنرپیشه، خواننده یا ورزشکار، از چه مد و آرایش و پوششی، تبعیت می‌کند، نسبت به خویش تردید یافته، کنجکاو‌ی

وافرشان در زمینه‌های مختلف را به مثابه نشانه و علامتی ناخوشایند، تعبیر و تفسیر می‌کنند.

عنوان «تلاش در جهت منطقی و با نظم تربیت کردن کودک»، به این مسأله اشاره دارد، با وجود آن که قدری آزادی عمل و بی‌نظمی در زندگی روزمره کودک، برای خلاق بار آمدن او ضرورت دارد، اما با این همه، تربیت کودک به شکلی که وی از تفکری نظم‌پذیر و منطقی برخوردار شود، از الزام‌های تربیت خلاق وی، به شمار می‌رود.

«سوق دادن کودک به سمت طبیعت»، مورد بعدی است که پژوهش‌گر از آن یاد کرده، بر آن تأکید می‌کند. وی با بیان نظریه‌پردازانی که به شکل مستقیم و غیرمستقیم بر ضرورت آمیختگی کودک با طبیعت اشاره داشته‌اند، یادآور می‌شود، برخی از این نظریه‌پردازان «یکی شدن با طبیعت را محرکی لازم و حیاتی برای رشد نیروی خلاق برشمرده‌اند» و برخی دیگر با طرح ضرورت آمیخته شدن فرد با طبیعت، گشودگی وی نسبت به هستی را که از عوامل ذی‌سهم در خلاق عمل کردن او هست، نتیجه گرفته‌اند.

عنوان «هدایت نسبی تخیلات کودک به سمت واقع‌نگری»، با وجود تأیید ضرورت داشتن زندگی تخیلی کودکان، بر ضرورت پالایش تخیل کودکان تأکید کرده، خاطر نشان می‌سازد، آنجا که کودک با توسل به موارد غیرعلمی (مانند تمسک به خرافه‌گری و جادو)، در صدد حل مسایل فرارویش برمی‌آید، این دست از

مصادیق، موارد پذیرشی نبوده، در حالات اخیر، باید تخیل کودک به سمت واقع‌نگری و تبیین علمی مسایل، سوق یابد.

عناوین «تهیه ابزار برای بازی‌ها و فعالیت‌های پژوهشی کودک»، «تشویق بازی‌ها و فعالیت‌های علمی - تخیلی کودک»، «تشویق دست ساخته‌ها، طراحی‌ها و آزمایش‌های علمی کودک» و «تشویق کسب دانش و یادگیری‌های غیررسمی کودک»، از دیگر مواردی است که دکتر منطقی به طرح آن‌ها پرداخته، با ارایه نمونه کارهایی در همین جهت، از دانش‌آموزان دبستانی، چگونگی اجرای آن‌ها را مورد بحث قرار داده است.

۲- این هفته چه چیزی بیشتر از همه کنجکاو تو را برانگیخت؟ چرا آن پسترها بیشتر از انسانها عمر می‌کنند.

چرا در فضا جایی برای دایکسرها وجود دارد.

چرا مریخ از ~~بزرگتر~~ خاسته‌های قرص است.

چرا زحل و مشتری از گاز پوسیده شده است

چرا طبقه آذری سیاره است یا سردترین سیاره است

چرا پلوتو هر ۲۴۸ سال یک بار دور خورشید می‌چرخد

چرا وقتی هوا پیمها در مشتری و زحل خرد می‌آید - آدم پیران می‌شود

۱- چالیس روزه یعنی روزه این هفته در مدرسه یاد گرفتید چه برداشتی چیز

۲- دوست داری هفته آینده چه چیزهایی را یادگیری؟ هیچ چیز

۳- این هفته چه چیزی بیشتر از همه کنجکاو کنی؟ خوراکیها و رنگها! هیچ چیز

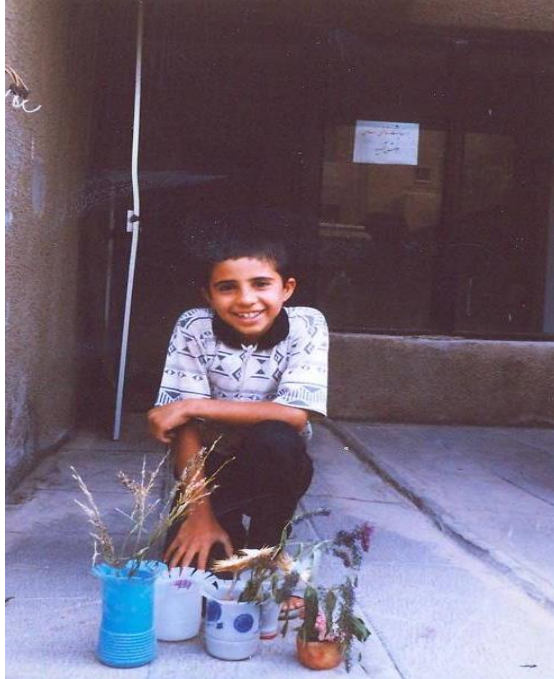
۴- از کدام یک از فعالیتهای کلاسی که هفته قبل داشتید لذت بیشتری از اشتباهی که هفته قبل در باره اسلاید
خون داشتیم لذت ~~بیشتر~~ بردیم؟

۵- اگر بخواهی به فعالیتهای علمی خودمان در این هفته نرویدی چه نروای می دهی برای فعالیت
علمی تراشتم

دکتر منطقی با بیان این که کودکان در مقطع ۱۱-۲ سال، به لحاظ اخلاقی، از اخلاقی دیگر پیرو برخوردارند و با دیدن افراد بزرگسال، به مثابه انسان‌هایی مقتدر و توانمند، در صدد تبعیت تام و تمام از آنان بر می آیند، خاطر نشان می‌سازد، طرح «وجود خلاءهایی در دانش بشر»، از سوی افراد بزرگسال، کودکان را با این واقعیت برخورد می‌دهد که همه چیز را تام و تمام ندیده و احساس کنند، بسیاری از آنچه در اطراف و اکناف آنان وجود دارد، ناقص و ناتمام است و نیاز به تکمیل و اصلاح دارند. وضعیت اخیر حالتی را برای کودک پدید می‌آورد که در شرایط ایده‌آل، تعریف تورنس از خلاقیت را تشکیل می‌دهند که خلاقیت، عبارت از احساس خلاءهای موجود در دانش بشری و تلاش برای رفع این شکاف‌ها است.

«سوق دادن کودک به سمت برخوردهای خلاق»، با پیش گرفتن انجام بازی‌هایی مانند: «مثل چی هست»، «چه می‌شد اگر...»، «تهیه

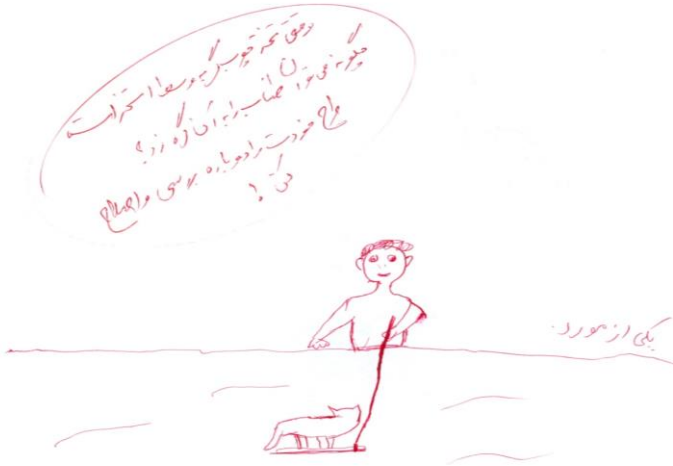
اسباب بازی و وسایل مختلف از دور ریختنی‌ها»، «ایجاد همه از هیچ»
و نظایر آن، پیشنهاد شده است.



عنوان «القا و تأیید تصویر مثبت از خود کودک»، مسأله مهم دیگری است که مورد توجه مؤلف قرار داشته، بر آن تأکید می‌ورزد. وی با استناد به دیدگاه‌های دینی که انسان‌ها را معادنی از طلا و نقره توصیف کرده و به شکلی هم‌سو با این آموزه‌ها، دیدگاه‌های روان-شناسی معاصر با تدقیق تعریف سرآمدگی، ۲۵-۱۵ درصد افراد جوامع را سرآمد معرفی می‌کنند، خاطر نشان می‌سازد، بسیاری از افراد خلاق (نظیر داوینچی)، بزرگ‌ترین کشف خویش را خودشان دانسته‌اند. از این رو، مؤلف، در توصیه برای حفظ تصویر مثبت از خود کودک، پیشنهاد می‌کند، در مرتبه نخست، اولیا و اولیای آموزشی باید از کارهای شخصیت‌شکن، تحقیرآمیز و مبتنی بر نفی و انکار کودک، سرباز بزنند و در مرتبه بعد، با تشویق آنان و اعطای مسوولیت‌های مختلفی که کودکان از پس آن برمی‌آیند، به شکل طبیعی امکان موفقیت در جهان خارج را برای آنان، فراهم آورند.

عناوین «پرسش از طرح‌های مورد نظر کودکان»، «تقاضای بررسی اشکال‌ها و نواقص احتمالی طرح‌های ارایه شده»، «طرح انتقادهای وارد بر ایده‌های پیشنهادی کودکان»، «پیشنهاد و تشویق حل مسأله توسط کودک»، «سوق دادن کودک به سطوح بالاتر حل مسأله»، «بیان ابداع و ابتکار دانش‌آموزان برای یکدیگر» و «تشویق تعمیم برخوردارهای خلاق به زندگی روزمره کودک»، از دیگر مواردی است که دکتر منطقی با استناد به کار دانش‌آموزانی که به آموزش خلاق آنان پرداخته بود، به طرح و تبیین آن‌ها پرداخته است.

محمد رضا مانی
 برای نیات بچه گریه ای که روی تخته کوچکی در وسط استخر باشد چه باید کرد؟ باید کتاب
 را به سقف خوب گره بزنیم و به آراهای او را به خشکی برسائیم. و به آب برویم و او را به
 خشکی بیاوریم. موج ایجا که کنیم تا به خشکی بیاید. با دست مثل پاروی عا ایضا
 گرم و خوب را به حرکت دریا آوریم.



یجای
 می رویم در آب و کتاب را به آن نخته گره می زنیم.

ایمن، محبت، مسلمانان

برای نجات بچه‌گرایان و نوزادان، کوی که دروغ است، قرار گرفته، چکار کرد؟

۱- لایتنیک با استوری‌ها نذریم و چه بچه‌گری را وادار کنیم تا بروی آن به بندید.

۲- طایب ~~را~~ را سزایا کردیم و بچه‌گری بچه‌گری نماندیم و بکشیم.

۳- لایتنیک پتاز با لارا استقر وارد شویم و گریه را نجات دهیم.

۴- این استقر لایتنیک و بچه‌گری را به بیرون آوردیم.

۵- بچه‌گری را با تیر بهوشی کشته، بهوشی کنیم و بعد وارد استقر شویم که نجات دهیم.

۱- آغا اسما، طح ضرورت را با سر صم، سالت زیر دو باره بر روی او
اصلاح کنی:

۱- شایسته بچه‌گری بی واسطه، تنه‌سینه، انوقت چه کار باید کرد؟

۲- شایسته طاب، گردن بچه‌گری سینه یا بیرون او بجز در آن دراز
بسیار زود قطع شود.

۳- شایسته جلی نویر، بچه‌گری را حق، بسیار زود او قطع شود.

۴- شایسته خانی کردن استقر خلی طول بکشد و بچه‌گری که دست راستی بکشد

۵- شایسته سست حساسی زمین بچه‌گری بخورد و او را بکشد.

مؤلف در ادامه بسترسازی‌های تحقیقاتی و پژوهشی که برای کودکان دبستانی مطرح ساخت، با طرح عناوین: «تمهید زمینه‌های اولیه در جهت فرضیه پردازی کودک»، «تشویق مسأله‌یابی‌های مقدماتی توسط کودک» و «تشویق حل مسایل با اتکا به فرضیه پردازی کودک»، از چگونگی سوق دادن کودکان به سطوح بالاتر حل مسأله، یاد می‌کند. دکتر منطقی در آخرین فراز از بحث در مورد بسترسازی جهت گسترش روحیات علمی پژوهشی کودک که به مثابه پایگاه پرتابی برای خلاق واقع شدن کودک، عمل می‌کنند، از نقش نهادهای مدنی و مردم‌یار در بسترسازی‌های علمی - تحقیقاتی در مدارس، یاد می‌کند. وی با بیان این که نظام آموزشی ایران، به زودی به این بلوغ

نخواهد رسید که رویکرد سنتی و حافظه‌مدار خود را به رویکرد فعال و مسأله‌مدار تبدیل کند، از ضرورت معاضدت و یاری‌جویی نظام آموزشی از سازمان‌های مدنی یاد می‌کند. نهادهای مزبور می‌توانند با گام نهادن در عرصه مواردی مانند: فرهنگ‌سازی، پژوهش و اطلاع‌رسانی در زمینه خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی، برنامه‌ریزی جهت بردن مسابقات علمی، خلاق در سطح مدارس و تلاش در جهت کاهش تبعیض آموزشی (با بردن دانش‌آموزان به مراکز علمی - تحقیقاتی یا تهیه آزمایشگاه‌های سیاری که در ماشین‌های کانتینردار تعبیه شده‌اند و به شکل سیار، به ارایه خدمات علمی به دانش‌آموزان می‌پردازند)، تا حدودی خلاءهای نظام آموزشی را مرتفع سازند.

عنوان «بسترسازی اولیه جهت سوق یافتن کودک به سمت کارآفرینی»، آخرین فراز از مباحث آموزش خلاقیت در سطح دانش‌آموزان ابتدایی است که دکتر منطقی به طرح آن پرداخته است. این محور حاوی چهار عنوان فرعی:

- استقبال اولیا از کارآفرینی فرزند در محیط خانه،
 - حمایت اولیا از کارآفرینی فرزند در محیط بیرون از خانه،
 - ضرورت نگاه مثبت مدرسه نسبت به مقوله کارآفرینی،
 - ضرورت نگاه مثبت جامعه به مقوله کارآفرینی،
- می‌باشد. مؤلف در تشریح استقبال اولیا از کارآفرینی فرزند در محیط خانه، خاطرنشان می‌سازد، اولیا می‌توانند ضمن طرح الگوهای کارآفرین برای فرزندشان، وی را به سمت اقتصادی عمل کردن،

سوق دهند و ضمن خرید تولیدات ارزشمند کودک، تهیه برخی از اقلام مورد نیاز (مانند کارت پستی که می‌خواهند برای اطرافیان بفرستند) را به وی، سفارش دهند.

حمایت اولیا از کارآفرینی فرزند در بیرون از خانه، زیر مجموعه بعدی است که مؤلف بر آن صحه نهاده، با مثال‌هایی، کارآفرینی با ابعاد اقتصادی کوچک و یا حتی بدون بعد اقتصادی در مقطع دبستان را مورد تأکید قرار داده است.





عناوین نگاه مثبت «مدرسه» و «جامعه» نسبت به مقوله کارآفرینی، عنوان‌های بعدی هستند که مؤلف به طرح آن‌ها پرداخته است. نظام آموزشی در مقطع ابتدایی می‌تواند، با طرح الگوهای کارآفرین یا ایجاد شرایط آموزشی که در جریان آن، طرح‌های پیشنهادی دانش‌آموزان، در معرض نقد و بررسی (از جمله نقد و بررسی اقتصادی) قرار گیرند، رسالت خویش را ایفا کند.

دکتر منطقی در ارتباط با نگاه مثبت جامعه به مقوله کارآفرینی، با تأکید در این که با تحرک یافتن سازمان‌های مدنی در این ارتباط، سازمان‌های مزبور می‌توانند با درخواست تهیه ایده و طرح‌هایی در زمینه تهیه «بلوک تمبر»، تهیه «جلد» و یا «نقاشی‌های متن» کتاب، تهیه طرح برای آثار «سفالگری»، «گبه»، تهیه «کارت پستال‌های دست‌ساز» و مانند آن از کودکان، ایده‌ها و طرح‌های تهیه شده آن‌ها را

خریداری کرده، این ایده‌ها و طرح‌ها را به کاربران آن در نهادهای صنعتی، خدماتی و مانند آن، به فروش برسانند. بالطبع منافع اقتصادی اخیر، می‌تواند به سهم خود، مقوم گسترش برخی از طرح‌های کارآفرینانه نهادهای مدنی، در مدارس ابتدایی قرار گیرد.

به این ترتیب، دکتر منطقی با طرح محورهای ۷ گانه و ارایه قریب ۶۰۰ نمونه کار بومی و در عین حال خلاق دانش آموزان مقطع ابتدایی، بحث آموزش خلاقیت در سطح دبستان را به پایان می‌برد.

دکتر منطقی، در بسته‌های بعدی این مجموعه، بحث آموزش خلاقیت در سطوح سنی نوجوانان و جوانان را ادامه خواهد داد.

بسته آموزشی حاضر با شماره ۲۶۷۸ مورخه ۱۳۸۹/۱/۳۱ به تأیید مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی و پرورش و پرورش رسیده است.

نظر دکتر حسن قاسم زاده، پدر خلاقیت ایران در مورد بسته آموزشی
آموزش خلاقیت:

برنامه‌ی جامع پرورش خلاقیت دکتر منطقی که در بر گیرنده‌ی سطوح پیش از دبستان، دبستان، راهنمایی و دبیرستان است، بدون تردید کاری عظیم و ماندنی است. این برنامه حاصل سالیان متمادی تجربه در پرورش خلاقیت کودکان، نوجوانان و جوانان در سطوح مختلف تحصیلی و نیز پژوهش و آموزش خلاقیت توسط ایشان است.

اهمیت کار دکتر منطقی از جمله در آن است که هم‌زمان به پرورش خلاقیت و نیز به پرورش جنبه‌های عاطفی کودک و نوجوان توجه نموده است. دکتر منطقی علاوه بر آموزش و پرورش خلاقیتِ عده‌ی کثیری از فراگیران در مدارس کشور، دارای تجربه‌ای بسیار مهم - پرورش هم‌زمان خلاقیت و جنبه‌های عاطفی فرزندان خود از تولد تا سطوح بالای آموزشی - نیز هستند. با اطمینان می‌توان گفت که کم‌تر پدر و مادری - شاید در حال حاضر هیچ پدر و مادری - چنین موردی را تجربه کرده باشد.

برای آن که والدین قادر به آماده کردن فرزندان خود برای پرورش خلاقیت باشند، حداقل پیش نیاز آن است که به شیوه‌های علمی تربیت فرزندان خود آگاهی داشته و تربیت فرزندان از بدو تولد تا زمانی که هدایت آن‌ها را به عهده دارند. را به بهترین نحو ممکن انجام دهند. این امر نه تنها در پرورش خلاقیت که در کلیه‌ی جوانب زندگی شخص، نقشی کلیدی دارد. برنامه‌ی حاضر به والدین و نیز مربیان در نیل به این هدف کمک شایانی می‌کند.

